

امکان‌سنجی الحاق ایران به WTO از منظر نماگرهای آزادی اقتصادی

دکتر مرتضی سامتی*

مرضیه طاهری**

چکیده

امروزه سازمان‌های بین‌المللی به یکی از بازیگران عمده در صحنه بین‌الملل تبدیل شده‌اند و نقش کلیدی و مهمی در شکل‌دهی و کنترل روابط اقتصادی و تجاری در سطح بین‌الملل دارند. آزادی اقتصاد محدوده‌ای را که اقتصاد بر مبنای بازار عمل می‌کند مشخص می‌نماید و تجارت نیز یکی از مقوله‌هایی است که می‌تواند بر مبنای اصول بازار عمل کند و یا تحت تأثیر محدودیت‌های تصمیمات غیربازاری باشد. تأمین ضوابط لازم برای الحاق به سازمان تجارت جهانی تا حد زیادی به مقوله نماگرهای آزادی اقتصادی مربوط می‌شود.

در این مقاله شکاف میان ایران و اعضای سازمان تجارت جهانی در زمینه معیارهای تحقق الزامات الحاق از منظر نماگرهای آزادی اقتصادی بررسی شده است. تلاش شده است تا با معرفی سه شاخص آزادی تجاری، حقوق و عوارض گمرکی و همگرایی تجارت بین‌الملل، مشکل کمی شدن درجه الزامات عمومی الحاق در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی رفع شوند. در واقع این سه شاخص تعریف شده به ترتیب نماینده سه شرط کلی الحاق یعنی اصل عدم تبعیض و تعمیم اصل دولت کامله‌الوداد، کاهش و لازم‌الاجرا نمودن تعرفه‌های گمرکی و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات و یا صادرات هستند. در این باره مدل‌های اقتصادسنجی به کار گرفته شده‌اند تا ارتباط هر کدام از متغیرهای یاد شده را با معیارهای آزادی اقتصادی منتشر شده از طرف مؤسسه فریزر تعیین گردد.

نتایج نشان می‌دهد مقادیر برآورد شده معیار آزادسازی تجاری در نمونه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به ترتیب ۰/۷۴۳ و ۰/۹۲۲ است که با توجه به اینکه مقدار برآورد شده برای ایران ۰/۷۳۰ است، بنابراین ایران از این منظر با نمونه کشورهای عضو دارای شکاف است. حداقل و حداکثر مقادیر برآورد شده برای معیار همگرایی تجارت بین‌الملل نیز به ترتیب ۰/۷۷۵ و ۰/۸۴۳ است. این در حالی است که ضابطه مذکور در مورد ایران ۰/۵۶۶ برآورد شده و بدین ترتیب ایران از منظر این ضابطه

* دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، پست الکترونیکی: sameti@ase.ui.ac.ir

** کارشناسی ارشد اقتصاد، پست الکترونیکی: marzeh_taheri@yahoo.com

با نمونه کشورهای عضو WTO دارای شکاف است. در نهایت مقدار حداقل و حداکثر برآورد شده برای معیار حقوق و عوارض گمرکی در نمونه کشورهای عضو به ترتیب ۰/۰۲۶ و ۰/۰۵۷ است. حال آنکه مقدار برآورد شده برای ایران ۰/۱۰۳ است و بنابراین ایران در این زمینه نیز با نمونه کشورهای عضو WTO دارای شکاف است. در نهایت تعدادی پیشنهاد سیاستی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: سازمان تجارت جهانی؛ نماگرهای آزادی اقتصادی؛ معیارهای تحقق الزامات الحاق به WTO؛ مدل‌های داده‌های پنل

طبقه‌بندی JEL: F13; F53; C23

۱. مقدمه

در نظام نوین، اقتصاد جهانی فرآیندهایی نظیر جهانی شدن اقتصاد و روند رو به رشد همگرایی منطقه‌ای، تعریف مرز و حدود اقتصاد کشورها را به شدت دچار تحول نموده است. رشد و تعالی اقتصادی، بدون آگاهی از شرایط، تحولات، مکانیزم (سازوکار)ها و ساختار اقتصاد جهانی به سادگی امکان‌پذیر نیست. آنچه مسلم است نهادهایی از جمله سازمان تجارت جهانی یکی از مهم‌ترین عناصر تعریف شده در این نظام نوین است و هر روز به دامنه فعالیت و شمول این نهاد مهم تجاری بین‌المللی افزوده می‌شود. این واقعیت باعث شده طی سال‌های اخیر روند عضویت کشورها در این سازمان با شتاب مضاعفی همراه گردد. در ایران نیز تاکنون تلاش بسیاری برای عضویت در سازمان جهانی تجارت صورت گرفته که تاکنون با توفیق کامل همراه نبوده است. در این میان مسئله عضویت در این سازمان از دو منظر قابل بررسی است. اول از نگاه فرآیند عضویت و الزاماتی که می‌بایست هر کشور برای ورود به این سازمان بپذیرد و دیگری از نگاه شرایط و آمادگی کشور برای پیوستن به این سازمان است. در خصوص فرآیند عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی، شکی نیست که این فرآیند دارای پیچیدگی‌های خاص خود بوده و اساساً فرآیند مذاکره است و مطابق ماده ۱۲ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، الحاق به این سازمان تحت شرایط مورد توافق سازمان با دولت متقاضی الحاق صورت می‌گیرد. بنابراین، نمی‌توان معیار و شاخصی تعریف نمود که براساس آن امکان الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی سنجیده شود. اما با توجه به اینکه الحاق به این سازمان مستلزم پذیرش برخی الزامات عمومی از جمله اصل عدم تبعیض و تعمیم اصل دولت کامله‌الوداد، کاهش و لازم‌الاجرا نمودن تعرفه‌های گمرکی و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات و یا صادرات

است، این سؤال مطرح می‌شود که صرف‌نظر از فرآیند الحاق، پذیرش الزاماتی این‌چنینی، تا چه حد نیازمند وجود زمینه‌های سیاستی و نهادی خاص است؟ و آیا اصولاً بین شرایط کلی نهادی و ساختاری اقتصاد کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و توانایی آنها در عمل به الزامات واگذاری ارتباطی وجود دارد؟

پاسخگویی به این سؤال از یک سو نیازمند تعریف نماگرهایی است که وضعیت کلی اقتصادهای عضو سازمان تجارت جهانی را از ابعاد مختلف اقتصادی، ساختاری، تجاری و سیاستگذاری نشان دهد و از سوی دیگر نماگرهایی برای کمی کردن میزان تحقق الزامات فوق در کشورهای عضو پس از الحاق به این سازمان مورد نیاز است. با توجه به عمومیت و جامعیت نماگرهای آزادی اقتصادی که در واقع میزان توانمندی سازوکار بازار در این کشورها را نشان می‌دهد، در این مقاله از نماگرهای آزادی اقتصادی به‌منظور ابزار کمی نمودن وضعیت اقتصادی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی استفاده شده است. اما به‌دلیل کیفی بودن الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی، کمی نمودن درجه تحقق این الزامات در کشورهای عضو به سادگی میسر نیست. در واقع باید اذعان نمود که محدودیت اساسی و کلیدی این تحقیق عدم دسترسی به این شاخص‌هاست.

همچنین باید گفت تاکنون ادبیات خاصی که بتواند ضوابط الحاق به سازمان تجارت جهانی را با معیارهای آزادی اقتصادی از نظر علمی تحلیل نماید، به‌طور مستقیم وجود ندارد. ولی آنچه مسلم است بحث آزادی اقتصادی به‌خودی‌خود دارای ادبیات خاص بوده و از آدام اسمیت شروع شده و تا به امروز که ابعاد بسیار وسیعی به خود گرفته، در تعریف آن، گستره وسیعی از متغیرها که آزادی اقتصادی را توسعه و یا تهدید می‌نمایند مدنظر قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر در واقع الزامات پیوستن به سازمان تجارت جهانی گرچه به ظاهر غیراقتصادی می‌نماید، در این مقاله تلاش شده است تا با معرفی سه شاخص آزادی تجاری، حقوق و عوارض گمرکی و همگرایی تجارت بین‌الملل، مشکل کمی شدن درجه تحقق الزامات عمومی الحاق در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی رفع شود. در واقع سه شاخص تعریف شده مذکور به ترتیب نماینده سه شرط کلی الحاق یعنی اصل عدم تبعیض و تعمیم اصل دولت کامله‌الوداد، کاهش و لازم‌الاجرا نمودن تعرفه‌های گمرکی و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات و یا صادرات هستند. با این توصیف، نمی‌توان این دو مقوله را غیرمرتبط با هم دانست گرچه به‌طور مستقیم نمی‌توان مبانی نظری شفاف و مشترکی را در این ارتباط تبیین نمود، شاید نتایج این مقاله بتواند در این باره کارگشا باشد.

ادامه مقاله به‌صورت زیر ساماندهی شده است. در بخش دوم به مفهوم آزادی اقتصادی و ارتباط آن با دیگر مؤلفه‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. بخش سوم به معیارهای تحقق الزامات

عضویت در سازمان تجارت جهانی اختصاص دارد. در بخش چهارم ضمن تعریف متغیرهای مربوط به تحقق الزامات الحاق و نماگرهای آزادی اقتصادی تعریف و به تبیین مدل پرداخته می‌شود. بخش پنجم نیز به معرفی جامعه آماری می‌پردازد. بخش ششم به ارائه نتایج برآورد مدل و پیشنهادهای سیاستی برگرفته از آنها اختصاص می‌یابد و در نهایت در بخش هفتم نتایج ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری آزادی اقتصادی

۲-۱. مفهوم آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی دارای تعاریف متنوعی است که از آن جمله می‌توان به تعریف گوارتنی^۱ (۱۹۹۹) و نیز بنیاد هریتیج^۲ اشاره نمود. در تعریف گوارتنی، افراد زمانی دارای آزادی اقتصادی خواهند بود که اول آنکه، دارایی که کسب می‌کنند بدون استفاده از زور، تقلب و یا سرقت باشد و همچنین در برابر تجاوز دیگران حفظ گردد و دوم آنکه افراد در استفاده، مبادله و یا نگهداری از دارایی‌هایشان آزاد باشند بدون آنکه موجب تضعیف حقوق دیگران شود.^۳ آزادی اقتصادی از دیدگاه مؤسسه هریتیج نیز عبارت است از نبود الزام یا اجبار دولت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات تا اندازه‌ای که افراد بتوانند آزادی خود را حفظ نمایند.^۴ به‌طور کلی آنچه از تعاریف بالا دریافت می‌شود آن است که آزادی اقتصادی چیزی جز تأکید بر مالکیت فردی یا خصوصی نبوده و محدوده‌ای را که اقتصاد بر مبنای بازار عمل می‌کند مشخص می‌نماید. بدین ترتیب افراد مالک دارایی‌های خود در مصرف، مبادله و یا نگهداری هستند و هیچ مانعی نظیر دولت نباید آنها را محدود نماید؛ این دارایی‌ها از طریق دزدی، زور، تقلب و یا سرقت به‌دست نیامده باشد و از این راه‌ها مبادله نگردد.^۵

مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه آزادی اقتصادی نشان می‌دهد میان آزادی اقتصادی و رشد و برابری ارتباط مثبتی وجود دارد. فریدمن^۶ (۱۹۷۸) معتقد است نقش اساسی سیستم قیمت‌ها در نظام بازار آزاد، انتقال اطلاعات و ایجاد انگیزه است،^۷ به‌نحوی که بازار آزاد می‌تواند کارایی بیشتر همراه با پیشرفت فناوری را برای دستیابی به رشد بیشتر با هزینه کمتر،

¹ Gwarteny

² Heritage Foundation

³ Karabegovic (2003)

⁴ Beach, and Driscoll (2003)

⁵ Hanke, and Walters (1997)

⁶ Friedman

⁷ Ibid.

فراهم آورد. از سوی دیگر اقتصاددانانی چون برگرن^۱ (۲۰۰۳) معتقدند آزادی اقتصادی و برابری در دورنمای زمانی بلندمدت‌تر، شرایط مساعدتری برای یکدیگر ایجاد می‌کنند و در تضاد با یکدیگر نیستند.

۲-۲. نماگرهای آزادی اقتصادی

با توجه به اهمیت آزادی اقتصادی، تلاش‌های فراوانی در جهت کمی کردن آن صورت گرفته است. شکی نیست که کمی نمودن درجه آزادی اقتصادی، مستلزم تعیین نماگرهایی است که این شاخص‌ها خود تبلوری از معیارهای عینی اقتصادی باشد. تدوین نماگرهای آزادی اقتصادی برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ از طریق بنیاد هریتیج و سپس در اواخر دهه ۱۹۸۰ از سوی مؤسسه تحقیقاتی فریزر مورد مطالعه قرار گرفت. این مؤسسات با تحلیل وضعیت کشورها و با استفاده از داده‌ها و اطلاعات آماری مؤسسات بین‌المللی و داخلی، رتبه آزادی اقتصادی کشورها را محاسبه و اعلام می‌نمایند.

شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر شاخص موزونی است که از پنج عامل اصلی تشکیل شده است. این عوامل در مجموع ۳۷ متغیر را دربردارند. رتبه هر عامل در فاصله صفر تا ده قرار دارد. هر چه این رتبه به ده نزدیک‌تر باشد، بیانگر آن است که آزادی اقتصادی بیشتری در آن کشور حاکم است و برعکس. رتبه کل کشور نیز میانگین وزنی پنج عامل اصلی است که عامل‌ها به شرح زیر هستند:

- اندازه و مخارج دولت، مالیات‌ها و بنگاه‌ها^۲
- ساختار قانونی و امنیت مالکیت خصوصی^۳
- دسترسی به پول قوی^۴
- آزادی مبادله با همسایگان
- قوانین مربوط به اعتبارات، نیروی کار و کسب‌وکار^۵

شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج نیز برای نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ اندازه‌گیری شد. این شاخص همراه با مشارکت مجله وال استریت^۶ منتشر می‌شود و هدف آنها اندازه‌گیری و مقایسه آزادی اقتصادی بین کشورها در سراسر دنیاست. شاخص آزادی اقتصادی هریتیج توسط

^۱ Berggren

^۲ Size of Government Expenditures, Taxes and Enterprises

^۳ Legal Structure and Security of Property Rights

^۴ Access to Sound Money

^۵ Regulation of Credit Labor and Business

^۶ The Wall Street Journal

۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ عامل دسته‌بندی شده‌اند، محاسبه و ارائه می‌شود. کمی کردن این متغیرها که عمدتاً کیفی هستند، مستلزم گردآوری داده‌های فراوان و دقیق ۱۶۱ کشور است. برخی اطلاعات و داده‌های آماری در دسترس هریتیج از منابع آماری داخل هر کشور و یا مؤسسات بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول (IMF)، وزارت امور خارجه امریکا و واحد اطلاعات اقتصادی^۱ (EIU) و ... به دست آمده و در مورد متغیرهای کیفی از نظرسنجی و پرسشنامه نیز استفاده شده است. نماگرهای آزادی اقتصادی که بنیاد هریتیج آن را اندازه‌گیری و گزارش می‌کند، عبارتند از: سیاست تجاری، بار مالی دولت، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست پولی، جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی، بانکداری و تأمین مالی، دستمزدها و قیمت‌ها، قوانین مربوط به حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و بازار سیاه.

۳. الزامات و ضوابط عضویت در سازمان تجارت جهانی

ریشه تشکیل سازمان جهانی تجارت را می‌بایست در رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ جست‌وجو نمود. این رکود باعث شد کشورها با وضع برخی سیاست‌های اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. این امر منجر شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود برآیند و قراردادهای چندجانبه‌ای را در این راه تنظیم کنند. چاره‌جویی‌های کشورها در جهت رفع معضلات نظام تجارت بین‌الملل منجر به آن شد که پیمان گات^۲ (GATT) به‌خاطر تحقق اهدافی چون افزایش اشتغال، تولید، درآمد واقعی و ارتقای سطح زندگی در کشورهای عضو پدیدار شود. از دیدگاه گات این اهداف جز با توسعه تجارت جهانی محقق نمی‌شود و تجارت جهانی نیز توسعه نمی‌یابد مگر با رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی.^۳

در حال حاضر ۱۴۹ کشور عضو سازمان تجارت جهانی هستند که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهند. با توجه به مقررات خاص این سازمان، در برخی موارد کشورهای عضو می‌توانند تا ۶۰۰ درصد بر کالاهایی که از کشورهای غیرعضو وارد کشورشان می‌شود تعرفه ببندند. به عبارت دیگر، عضو نبودن در این سازمان به معنای انزوای بین‌المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست. از آنجایی که قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۴۹ کشور جهان برخوردار است و نتیجه حدود هفتاد سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورها می‌باشد، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. مهم‌ترین اصول

^۱ Economic Intelligence Unit

^۲ General Agreement on Trade and Tariff

^۳ امیدبخش و طارم‌سری (۱۳۷۲)

سازمان تجارت جهانی عبارتند از:

- اصل عدم تبعیض و تعمیم بدون شرط اصل دولت کامله‌الوداد^۱ (MFN)
- ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات
- ممنوعیت وضع هرگونه مالیات بر کالای وارداتی بیشتر از میزان مالیات بر کالاهای ساخت داخل، توسط کشورهای عضو
- ممنوعیت هرگونه عمل کشورهای عضو که جنبهٔ دامپینگ (فروش زیر قیمت تمام شده) داشته باشد.^۲

فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت با دیگر سازمان‌های بین‌المللی که غالباً از روند خودکار الحاق بهره‌مندند، به‌طور کلی متفاوت است. براساس ماده ۱۲ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، الحاق بدین سازمان تحت شرایط مورد توافق سازمان با دولت متقاضی الحاق صورت خواهد گرفت. بنابراین فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت اساساً فرآیند مذاکره است. این امر الحاق بدین سازمان را به روندی پیچیده، زمان‌بر و دشوار بدل می‌سازد. پیوستن به سازمان تجارت جهانی مستلزم پذیرش برخی الزامات است، این الزامات به‌طور کلی به دو دسته الزامات عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شود. اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- اصل عدم تبعیض و تعمیم اصل دولت کامله‌الوداد
- کاهش و لازم‌الاجرا نمودن تعرفه‌های گمرکی
- ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات و یا صادرات^۳

۴. مروری بر تحقیقات انجام شده

بررسی مطالعات انجام شده در خصوص الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد این مطالعات عمدتاً مربوط به کشورهای توسعه یافته است و در کشورهای در حال توسعه تاکنون مطالعات اندکی در این زمینه انجام شده است. در زمینه آثار اقتصادی الحاق کشورها به WTO می‌توان به مطالعات رز^۴ (۲۰۰۳) اشاره نمود. گلدستین، ریورز و تامز^۵ (۲۰۰۳) نیز تأثیر

^۱ Most Favored Nation

^۲ ایروانی (۱۳۸۳)

^۳ ابراهیمی‌نژاد (۱۳۸۴)

^۴ Rose

^۵ Goldstein, Rivers and Toms

توافقنامه‌های تجاری ترجیحی و ماهیت روابط تجاری یک کشور با سایر کشورها قبل از الحاق به WTO را در فرآیند الحاق مورد بررسی قرار داده‌اند. مورلی و پینرو^۱ (۲۰۰۴) به بررسی اثرهای الحاق کشورهای امریکای لاتین بر بخش کشاورزی و روستایی این کشورها پرداخته‌اند. سوزا^۲ (۲۰۰۳) تأثیر ورود روسیه به سازمان تجارت جهانی را بر مبادلات تجاری این کشور با اتحادیه اروپا بررسی نموده و خاسوبیس^۳ (۲۰۰۳) اثرهای کلی الحاق کشورهای در حال توسعه به WTO را مورد بحث قرار داده است. چاو^۴ (۲۰۰۴) به بررسی اثرهای پیوستن چین به WTO بر نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی چین پرداخته است.

در ایران مطالعات انجام شده در خصوص آثار الحاق به WTO عمدتاً بر صنایع خاص متمرکز بوده است. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه محبی (۱۳۷۴)، ابراهیمی یزدی (۱۳۷۷)، جلالوند (۱۳۷۸) و سوادیان (۱۳۷۹) اشاره نمود که به ترتیب اثر پیوستن به سازمان تجارت جهانی را بر صنایع کشاورزی، فرش، غلات و نساجی بررسی نموده‌اند. مطالعاتی نیز تاکنون در زمینه مسائل حقوقی الحاق به WTO در ایران انجام شده که مطالعه ذوالقدر (۱۳۷۹) در این زمره است.

۵. معرفی جامعه آماری مدل

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی جامعه آماری این تحقیق است که با توجه به محدودیت دسترسی به اطلاعات مربوط به معیارهای تحقق الزامات الحاق و نماگرهای آزادی اقتصادی همه کشورهای عضو، نمونه آماری شامل ۷۳ کشور عضو WTO است که آمار نماگر آزادی اقتصادی و سایر آمارهای اقتصادی و تجاری آنها در دسترس بوده است. دوره زمانی تحقیق نیز سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۳ است. با توجه به اینکه ماهیت داده‌های تحقیق مقطع زمانی و یا تلفیقی بوده است، برای بررسی ارتباط میان نماگرهای آزادی اقتصادی و نماگرهای الحاق به WTO در کشورهای عضو از روش تخمین داده‌های پنل بهره‌گیری می‌شود. صورت کلی مدل ارتباط بین نماگرهای آزادی اقتصادی و معیارهای الحاق به WTO به صورت زیر است.

$$GW_i = \alpha_i + \sum_{j=1}^{10} \beta_{ij} EF_j + \varepsilon_i \quad (1)$$

¹ Morely, and Pinerio

² Souza

³ Khasoubis

⁴ Chow

ز نشان دهنده مؤلفه‌های آزادی اقتصادی، GW_i شرط نام الحاق به WTO، EF نماگرهای آزادی اقتصادی. به‌طور مشخص برای بررسی ارتباط میان نماگرهای آزادی اقتصادی و هر یک از معیارهای الحاق، از مدل‌های زیر استفاده می‌شود:

(۲)

$$TO = \alpha + \beta_1 TR + \beta_2 FB + \beta_3 GI + \beta_4 MP + \beta_5 FI + \beta_6 B + \beta_7 WP + \beta_8 PR + \beta_9 R + \beta_{10} IM + \varepsilon$$

(۳)

$$ID = \alpha + \beta_1 TR + \beta_2 FB + \beta_3 GI + \beta_4 MP + \beta_5 FI + \beta_6 B + \beta_7 WP + \beta_8 PR + \beta_9 R + \beta_{10} IM + \varepsilon$$

(۴)

$$IIT = \alpha + \beta_1 TR + \beta_2 FB + \beta_3 GI + \beta_4 MP + \beta_5 FI + \beta_6 B + \beta_7 WP + \beta_8 PR + \beta_9 R + \beta_{10} IM + \varepsilon$$

در معادلات ۲ تا ۴ متغیرهای سمت چپ معیارهای تحقق الزامات الحاق به WTO هستند. در مطالعه حاضر به منظور کمی نمودن درجه تحقق ضوابط الحاق به سازمان تجارت جهانی از سه شاخص آزادی تجاری (TO)، ادغام تجارت بین‌الملل (IIT) و حقوق و عوارض گمرکی (ID) استفاده شده است. متغیرهای سمت راست نماگرهای آزادی اقتصادی ارائه شده از سوی بنیاد هریتیج هستند که عبارتند از: سیاست تجاری (TR)، بار مالی دولت (FB)، دخالت دولت در اقتصاد (GI)، سیاست پولی (MP)، جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی (FI)، بانکداری و تأمین مالی (B)، دستمزد و قیمت‌ها (WP)، حقوق مالکیت (PR)، قوانین و مقررات (R) و بازار سپاه (IM).

براساس روش‌شناسی هریتیج در محاسبه شاخص سیاست تجاری، سه متغیر متوسط وزنی نرخ تعرفه یا متوسط نرخ تعرفه، موانع غیرتعرفه‌ای (NTBs) فساد در خدمات گمرکی که شامل رشوه و سرقت کالا است، در نظر گرفته می‌شود. بار مالی دولت براساس دو متغیر نرخ مالیاتی و سطح مخارج دولتی اندازه گرفته می‌شود. اندازه‌گیری مداخله دولت از طریق نقش قانونی دولت و عناصری که با آن بار مالی را اندازه‌گیری می‌کنند، صورت می‌گیرد.

برای اندازه‌گیری شاخص سیاست پولی از نرخ تورم استفاده می‌شود. در محاسبه رتبه جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی هشت متغیر در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: قانون سرمایه‌گذاری خارجی در کشورها، حدود تملک بنگاه‌های خارجی، حدود باز بودن صنایع و مؤسسه‌ها برای سرمایه‌گذاران خارجی، حدود عملکرد بنگاه‌های خارجی، مالکیت خارجی‌ان بر روی زمین، برقراری شرایط مساوی برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی از نظر قانونی، محدودیت‌های وضع شده بر بازگشت عایدی (اصل سرمایه و سود) و امکان تأمین مالی محلی برای کمپانی‌های خارجی.

برای بررسی شاخص بانکداری و تأمین مالی، پنج متغیر مالکیت دولتی بر بانکها، محدودیت برای بانکهای خارجی در گشایش شعبه و نمایندگی، مداخله دولت در تخصیص اعتبارات و وامها، وجود مقررات دولتی، آزادی در ارائه انواع خدمات مالی مانند خرید و فروش اوراق بهادار و بیمه نامهها در نظر گرفته می‌شود. اندازه‌گیری شاخص دستمزد و قیمت‌ها کاملاً کیفی بوده و براساس میزان دخالت دولت بر مکانیزم (سازوکار) تعیین دستمزد و قیمت‌ها اندازه‌گیری می‌شود. شاخص حقوق مالکیت، میزان حمایت دولت از مالکیت خصوصی به‌وسیله قانون را اندازه‌گیری می‌کند. در محاسبه شاخص قوانین و مقررات میزان مشکلات شروع یک فعالیت اقتصادی و ادامه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به‌علاوه درجه فساد در دولت، اجرای یکسان یا تبعیض‌آمیز مقررات، شفافیت قوانین و محدودیت‌هایی که از سوی آنها ایجاد می‌شود نیز بر روی امتیاز این شاخص تأثیر مستقیمی دارد. در نهایت شاخص بازار سیاه میزان گستردگی پدیده بازار سیاه در یک کشور را اندازه‌گیری می‌نماید.

معیار آزادی تجاری از تقسیم حاصل جمع صادرات و واردات یک کشور به تولید ناخالص داخلی آن کشور به‌دست می‌آید و نشان دهنده سهم تجارت خارجی از تولید ناخالص داخلی هر کشور است.

$$TO_{it} = (X_{it} + M_{it}) / GDP_{it} \quad (5)$$

$i=1, \dots, 73 \quad t=1, \dots, 9$

M_i و X_{it} به ترتیب نشان دهنده ارزش صادرات و واردات کشور t ام در سال t و GDP_{it} نشان دهنده ارزش تولید ناخالص داخلی کشور مزبور در سال مورد بررسی است. با توجه به این توضیحات هرچه مقدار این معیار بیشتر باشد نشان دهنده بالاتر بودن سهم و نقش تجارت خارجی در تولید یک کشور یا به‌عبارتی بازتر بودن اقتصاد آن کشور خواهد بود.

معیار حقوق و عوارض گمرکی نسبت حقوق و عوارض گمرکی یک کشور به ارزش واردات آن کشور را نشان می‌دهد. بررسی قواعد موافقت‌نامه تعرفه و تجارت که در جریان مذاکرات دور اروگوئه به WTO نیز تسری یافته است، نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین الزامات الحاق کشورها به WTO منع محدودیت‌های کمی بر واردات و یا به‌عبارتی کاهش اقدامات حمایتی از صنایع داخلی و کاهش تعرفه‌هاست.

$$ID_{it} = CD_{it} / M_{it} \quad (6)$$

$i=1, \dots, 73 \quad t=1, \dots, 9$

ID_{it} معیار عوارض گمرکی، به‌عنوان یکی از ضوابط الحاق به WTO مربوط به کشور نام در سال t ، CD_{it} میزان عوارض گمرکی در کشور نام در سال t به دلار، M_{it} میزان واردات کشور نام در سال t به دلار است. آن‌گونه که ملاحظه می‌شود این معیار نسبت عوارض گمرکی سالیانه در هر یک از کشورهای مورد مطالعه را به حجم واردات آن کشور نشان می‌دهد. روشن است که هر چه این نسبت در یک کشور بالاتر باشد میزان محدودیت‌های کمی آن بر واردات بیشتر خواهد بود و به‌عبارتی میزان انحراف آن کشور از ضوابط الحاق به WTO بیشتر خواهد بود. درجه همگرایی تجارت بین‌الملل نیز نشان می‌دهد تا چه حد یک کشور به فضای رقابت بین‌الملل وارد گشته است و به‌عبارتی این معیار میزان گستردگی روابط تجاری یک کشور را با کشورهای دیگر نشان می‌دهد.

$$IIT = 1 - \left(\frac{X_{it} - M_{it}}{X_{it} + M_{it}} \right) \quad (7)$$

$i=1, \dots, 73 \quad t=1, \dots, 9$

IIT_{it} درجه همگرایی تجارت بین‌الملل کشور نام در زمان t ، X_{it} صادرات کشور نام در سال t ، M_{it} واردات کشور نام در سال t ، به این ترتیب هر چه مقدار این معیار به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نمایانگر روابط دوجانبه و گسترده تجاری کشور مورد نظر خواهد بود و نزدیکی این معیار به صفر عکس این مطلب را نمایان خواهد ساخت.

۶. برآورد مدل و تحلیل نتایج

با توجه به اینکه پایایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری‌زمانی و چه داده‌های تلفیقی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود، پیش از برآورد مدل‌ها، آزمون‌های پایایی متغیرها انجام شده است. در این تحقیق، برای انجام آزمون پایایی از آزمون‌های هاردی و لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲) استفاده شده است. براساس نتایج این آزمون‌ها، پایایی جمعی تمامی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر به استثنای شاخص دستمزد و قیمت‌ها که در سطح اطمینان ۹۰ درصد پایاست، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد نمی‌شود.

قبل از برآورد مدل‌ها از روش تخمین داده‌های پنل باید اطمینان حاصل نمود که امکان تخمین به‌صورت جمعی^۲ وجود ندارد. در این آزمون تفاوت ضرایب برآورد شده برای تک تک کشورها با ضرایب برآورد شده حاصل از داده‌های جمعی بررسی می‌شود. آماره این

^۱ Hardi, Levin, Lin, and Chu

^۲ Poolability

آزمون دارای توزیع F بوده و فرضیه صفر در این آزمون آن است که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضرایب برآورد شده رگرسیون جمعی وجود ندارد. براساس نتایج محاسبات انجام شده در مورد هر سه مدل مقادیر آماره F برآورد شده بیشتر از مقادیر بحرانی متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد است و از این رو، فرضیه صفر قابلیت تخمین داده‌ها به شیوه جمعی پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل‌ها به روش تلفیقی یا پنل برآورد شود.

برای تخمین مدل به شیوه داده‌های تلفیقی دو روش وجود دارد که عبارتند از: روش اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی. تعیین آنکه در مورد یک نمونه از داده‌ها کدام یک از این دو روش باید مورد استفاده قرار گیرد، از طریق آزمون‌های خاص خود انجام می‌گیرد. یکی از رایج‌ترین این آزمون‌ها آزمون هاسمن^۱ است. فرضیه صفر آزمون هاسمن آن است که مدل دارای اثرهای تصادفی است. آماره این آزمون نیز آماره χ^2 است. با توجه به اینکه مقادیر χ^2 محاسبه شده برای هر سه معادله بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی به دست آمده از جدول توزیع آن است، فرضیه صفر وجود اثرهای تصادفی در تمام موارد رد می‌شود.

در نهایت با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد انحراف معیار ضرایب و همچنین مسئله استنباط آماری، آزمون واریانس ناهمسانی نیز بر روی ضرایب انجام شده است. برای انجام این مهم از سه آزمون بارتلت، لیون و براون - فورسایس^۲ استفاده شده است. براساس نتایج این آزمون‌ها، فرضیه صفر برابری واریانس برای هر سه معادله برآورده شده رد شده و بنابراین این معادلات دارای مشکل واریانس ناهمسانی بوده‌اند. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

جدول ۱ نتایج برآورد معادلات مربوط به تأثیر نماگرهای آزادی اقتصادی بر معیارهای تحقق الزامات الحاق به WTO را نشان می‌دهد. از میان نماگرهای آزادی اقتصادی، نماگرهای سیاست تجاری، بار مالی دولت، سیاست پولی، جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی، دستمزد و قیمت‌ها و قوانین و مقررات تأثیر معناداری بر معیار آزادسازی تجاری دارد. نماگرهای بار مالی دولت، سیاست پولی، بانکداری و تأمین مالی، دستمزد و قیمت‌ها، حقوق مالکیت و بازار سیاه رابطه معناداری با شاخص حقوق و عوارض گمرکی دارد. نماگرهای سیاست پولی، جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی، دستمزد و قیمت‌ها و حقوق مالکیت تأثیر معناداری بر معیار ادغام تجارت بین‌الملل دارد.

¹ Hausman

² Bartlett, Levene and Brown - Forsythe

جدول ۱ خلاصه نتایج برآورد رابطه میان نماگرهای آزادی اقتصادی و معیارهای الحاق به WTO

متغیر مستقل متغیر وابسته	جزء ثابت	سیاست تجاری	بار مالی دولت	دخالت دولت	سیاست پولی	جریان سرمایه	بانکداری	دستمزد و قیمت	حقوق مالکیت	مقررات	بازار سیاه
آزادسازی تجاری	۰/۹۶۴ (۴/۷۹)	-۰/۰۰۹ (-۴/۱۷)	-۰/۰۰۴ (-۲/۳۱)	۰/۰۰۸ (۰/۶۲)	-۰/۰۰۴ (-۲/۰۰)	-۰/۰۰۶ (-۲/۳۱)	۰/۰۱۳ (۱/۵۳)	-۰/۰۰۷ (-۲/۷۵)	۰/۰۱۳ (۱/۱۳)	-۰/۰۱۱ (-۲/۱۵)	-۰/۰۳۴ (-۱/۸۶)
حقوق و عوارض گمرکی	۰/۰۵۱ (۴/۵۰)	-۰/۰۰۲ (-۰/۶۲)	۰/۰۰۱ (۲/۶۷)	۰/۰۰۱ (۱/۶۳)	۰/۰۰۲ (۲/۲۳)	-۰/۰۰۸ (-۰/۸۱)	۰/۰۰۱ (۲/۸۹)	۰/۰۰۳ (۲/۰۲)	۰/۰۰۱ (۲/۴۴)	-۰/۰۰۱ (-۱/۵۶)	۰/۰۰۲ (۲/۹۹)
همگرایی تجارت بین‌الملل	۰/۵۱۸ (۴/۲۳)	-۰/۰۰۱ (-۱/۸۲)	۰/۰۰۳ (۰/۸۱)	۰/۰۰۲ (۱/۲۴)	-۰/۰۰۶ (-۲/۰۳)	-۰/۰۰۴ (-۲/۰۰)	۰/۰۱۴ (۱/۳۲)	-۰/۰۰۲ (-۲/۳۲)	-۰/۰۰۳ (-۲/۱۳)	۰/۰۰۵ (۱/۱۱)	-۰/۰۰۱ (-۰/۵۲)
$R^2=۰/۹۸۱$ Adjusted $R^2=۰/۹۷۴$ F-Stat: ۸/۶۸۴ Prob(۰/۰۰۰) D.W. Stat: ۱/۹۳۱											

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

به‌منظور فراهم آمدن امکان شناسایی آسان‌تر نماگرهای مؤثر بر هر یک از معیارهای الحاق، نتایج تعیین نماگرهای اثرگذار در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲ نماگرهای مؤثر بر هر یک از معیارهای الحاق به WTO

بازار سیاه	مقررات	حقوق مالکیت	دستمزد و قیمت	بانکداری	جریان سرمایه	سیاست پولی	دخالت دولت	بار مالی دولت	سیاست تجاری	
	*		*		*	*		*	*	آزادسازی تجاری
*		*	*	*		*		*		حقوق و عوارض گمرکی
		*	*		*	*			*	ادغام تجارت بین‌الملل

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

به عبارت دیگر، بررسی نتیجه برآورد معادلات مربوط به رابطه نماگرهای آزادی اقتصادی و معیارهای تحقق الزامات الحاق، گویای آن است که دو شاخص سیاست پولی و سطح دستمزد و قیمت‌ها بر هر سه معیار تحقق الزامات الحاق به WTO اثرگذار است. پس از آنها نماگرهای سیاست تجاری، بار مالی دولت، جریان سرمایه و حقوق مالکیت هر کدام بر دو معیار تحقق الزامات الحاق اثرگذارند و در نهایت معیارهای بانکداری، مقررات و بازار سیاه نیز هر کدام تنها یکی از معیارهای تحقق الزامات الحاق را متأثر می‌سازند. شاخص دخالت دولت نیز تنها معیاری است که بر هیچ یک از معیارهای تحقق الزامات الحاق اثرگذار نیست.

پس از برآورد ضرایب معادلات ۲ تا ۴ می‌توان ارتباط کمی میان معیارهای تحقق الزامات الحاق به WTO و نماگرهای آزادی اقتصادی برقرار ساخت. به بیان دیگر، چنانچه مقادیر نماگرهای آزادی اقتصادی کشورهای عضو در مدل‌های برآورد شده قرار گیرد، مقدار برآورد شده برای هر یک از معیارهای تحقق الزامات الحاق به سازمان تجارت جهانی برای نمونه کشورهای عضو به دست خواهد آمد. اگر این مقادیر از کوچک به بزرگ مرتب شوند محدوده‌ای را مشخص می‌کنند که کشورهای عضو در آن وضعیت قرار دارند. حال با توجه به اینکه در مورد کشورهای غیر عضو WTO نیز می‌توان مقادیر معیارهای سه گانه آزادی تجاری، حقوق و عوارض گمرکی و همگرایی تجارت بین‌الملل را محاسبه نمود، اگر مقدار محاسبه شده برای کشورهای غیر عضو سازمان تجارت جهانی با مقادیر برآورد شده معیارهای تحقق الزامات عضویت در این فاصله قرار گیرند، بیانگر نوعی عدم آمادگی اقتصاد آن کشور برای اجرای تعهدات عضویت خواهد بود. بدین معنا که حتی اگر در فرآیند عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی مشکلی وجود نداشته باشد، شرایط کلی اقتصادی آن کشور آمادگی پذیرش الزاماتی از نوع الزامات عمومی عضویت در سازمان مزبور را نخواهد داشت.

جدول ۳ خلاصه نتایج برآورد مقدار آستانه معیارهای تحقق الزامات الحاق به WTO و مقدار برآورد شده برای ایران را در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در مورد دو ضابطه آزادسازی تجاری و همگرایی تجارت بین‌الملل، مقدار آستانه و یا حداقل مقدار برای کشورهای عضو به ترتیب ۰/۷۴۴ و ۰/۷۷۵ برآورد شده است. در حالی که مقدار برآورد شده برای ایران در سال مورد بررسی به ترتیب ۰/۷۳۰ و ۰/۵۶۶ بوده و این نمایانگر شکاف موجود میان ایران و کشورهای عضو است. در مورد ضابطه حقوق و عوارض گمرکی نیز مقدار آستانه برآورد شده که عبارت است از حداکثر مقدار این ضابطه برای کشورهای عضو، ۰/۰۵۷ است که در ایران مقدار این ضابطه ۰/۱۰۳ برآورد شده که به نسبت حد آستانه بالاتر است و بنابراین در مورد این ضابطه نیز میان ایران و کشورهای عضو WTO شکاف وجود دارد.

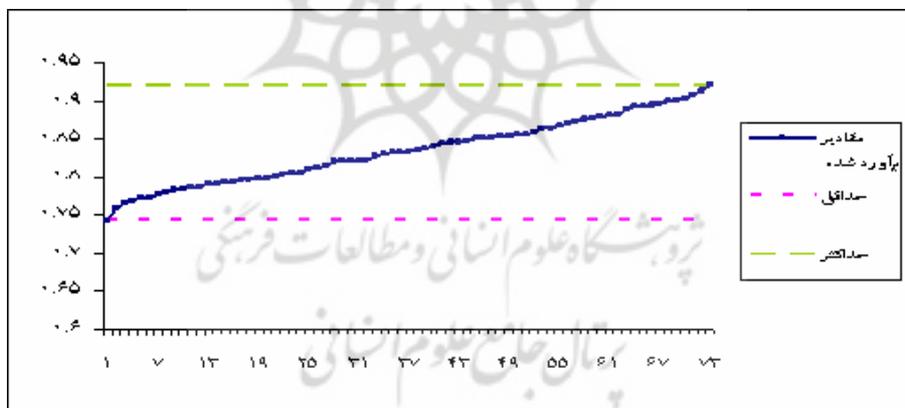
جدول ۳ نتایج برآورد شکاف میان ایران و کشورهای عضو WTO از منظر ضوابط الحاق

شاخص	مقدار آستانه برآورد شده برای کشورهای عضو WTO	مقدار برآورد شده برای ایران	میزان شکاف
TO	۰/۷۴۴	۰/۷۳۰	۰/۰۱۴
ID	۰/۰۵۷	۰/۱۰۳	۰/۰۴۴
IIT	۰/۷۷۵	۰/۵۶۶	۰/۲۰۹

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

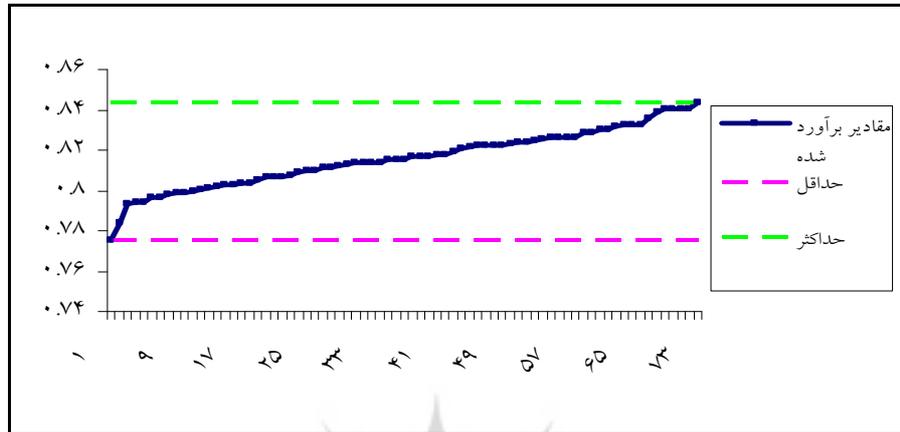
نمودار ۱ مقادیر برآورد شده ضابطه آزادسازی تجاری برای نمونه کشورهای عضو WTO را که از مقدار حداقل به حداکثر مرتب شده است نشان می‌دهد. توجه به مقادیر برآورد شده نشان می‌دهد که حداقل و حداکثر ضابطه آزادسازی تجاری در نمونه کشورهای عضو به ترتیب ۰/۷۴۳ و ۰/۹۲۲ است و با توجه به اینکه مقدار برآورد شده برای ایران مطابق جدول ۳، ۰/۷۳۰ است، بنابراین ایران از این منظر با نمونه کشورهای عضو دارای شکاف است.

نمودار ۱ مقادیر برآورد شده معیار آزادسازی تجاری به ترتیب حداقل به حداکثر برای نمونه کشورهای عضو WTO



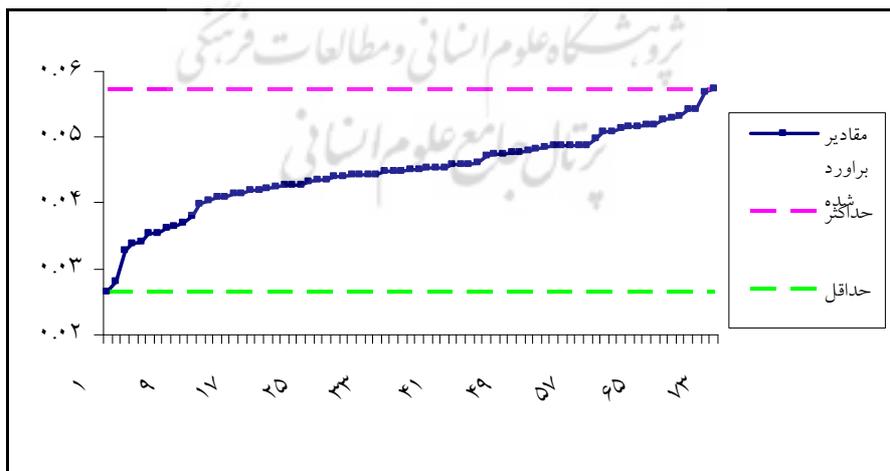
نمودار ۲ نیز مقادیر برآورد شده ضابطه همگرایی تجارت بین‌الملل برای نمونه کشورهای عضو WTO را که از مقدار حداقل به مقدار حداکثر مرتب شده است نشان می‌دهد. حداقل و حداکثر این مقادیر برآورد شده به ترتیب ۰/۷۷۵ و ۰/۸۴۳ است. این در حالی است که ضابطه مذکور در مورد ایران ۰/۵۶۶ برآورد شده و بدین ترتیب ایران از منظر این ضابطه با نمونه کشورهای عضو WTO دارای شکاف است.

نمودار ۲ مقادیر برآورد شده معیار همگرایی تجارت بین‌الملل به ترتیب حداقل به حداکثر
برای نمونه کشورهای عضو WTO



در نمودار ۳ مقادیر برآورد شده ضابطه حقوق و عوارض گمرکی برای نمونه کشورهای عضو WTO که از مقدار حداقل به حداکثر مرتب شده است مشخص گردیده است. براساس نتایج برآوردها مقدار حداقل و حداکثر برآورد شده برای معیار حقوق و عوارض گمرکی در نمونه کشورهای عضو به ترتیب ۰/۰۲۶ و ۰/۰۵۷ است. درحالی که مقدار برآورد شده برای ایران ۰/۱۰۳ است و از این‌رو، ایران در این زمینه با نمونه کشورهای عضو WTO دارای شکاف است.

نمودار ۳ مقادیر برآورد شده معیار حقوق و عوارض گمرکی به ترتیب حداقل به حداکثر برای
نمونه کشورهای عضو WTO



۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

توجه به مقادیر برآورد شده نشان می‌دهد حداقل و حداکثر معیار آزادسازی تجاری در نمونه کشورهای عضو به ترتیب ۰/۷۴۳ و ۰/۹۲۲ است و با توجه به اینکه مقدار برآورد شده برای ایران ۰/۷۳۰ است، بنابراین ایران از این منظر با نمونه کشورهای عضو دارای شکاف است.

حداقل و حداکثر مقادیر برآورد شده برای معیار همگرایی تجارت بین‌الملل به ترتیب ۰/۷۷۵ و ۰/۸۴۳ است. این در حالی است که ضابطه مذکور در مورد ایران ۰/۵۶۶ برآورد شده است و بدین ترتیب ایران از منظر این ضابطه با نمونه کشورهای عضو WTO دارای شکاف است.

براساس نتایج برآوردها مقدار حداقل و حداکثر برآورد شده برای معیار حقوق و عوارض گمرکی در نمونه کشورهای عضو به ترتیب ۰/۰۲۶ و ۰/۰۵۷ است. این در حالی است که مقدار برآورد شده برای ایران ۰/۱۰۳ است و بنابراین ایران در این زمینه با نمونه کشورهای عضو WTO دارای شکاف است.

با توجه به نتایج مذکور و عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی کشورها در زمینه هر یک از معیارهای تحقق الزامات الحاق به WTO به نظر می‌رسد اجرای سیاست‌های زیر راه را برای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی هموارتر سازد. پیشنهادهای زیر به بهبود نماگرهای ده‌گانه آزادی اقتصادی و نیز براساس اهمیت آنها در اثرگذاری بر معیارهای الحاق برمی‌گردد:

- محدود شدن دخالت دولت به امر قیمت‌گذاری تعداد معدودی از کالاها و خدمات مهم و آزادسازی سازوکار بازار برای تعیین قیمت سایر کالاها و خدمات
- تدوین قوانین مالکیتی خاص سرمایه‌گذاران خارجی
- اصلاح قانون کار به نحوی که کارفرما از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشد.
- هم‌سویی قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاران خارجی نظیر قانون اساسی، قانون مالیات، قانون سرمایه‌گذاری خارجی و قانون کار برای تشویق روند جریان ورودی سرمایه به کشور
- عضویت ایران در مجامع بین‌المللی و حل و فصل اختلافات
- در خصوص مواردی که مالکیت خصوصی سلب گردیده و یا مالکیت ملی شده لازم است قانون مربوط به آن به‌طور مشخص بیان شده و تدوین گردد.
- تدابیری اندیشیده شود تا استقلال دستگاه قضایی به لحاظ بودجه‌ای از دولت صورت گیرد تا از این طریق امکان هرگونه دخالتی در تصمیمات قضایی از سوی دولت به حداقل برسد.
- ساختار اجرایی بانکداری دولتی باید تغییر یابد و دولت دخالت‌های خود را در این سیستم تا حد امکان کاهش دهد.

- زمینه‌های لازم برای فعالیت و قوی‌تر شدن بانک‌های خصوصی فراهم آید.
- امکان حضور بانک‌های خارجی در کشور فراهم شود تا زمینه‌ساز گسترش رقابت در صنعت بانکداری ایران گردد.
- مداخله دولت در تخصیص اعتبارات و وام‌ها کاهش یابد.
- تسهیل فرآیندهای اخذ مجوز به‌خصوص در بخش صنعت
- اصلاح مؤثر قوانین کار، تأمین اجتماعی و آیین‌نامه‌های قیمت‌گذاری کالاها و خدمات
- جلوگیری از اعمال سلیقه‌ای قوانین
- ایجاد ثبات در آیین‌نامه‌ها و قوانین و اجتناب از تغییر سریع آنها
- جلوگیری از مهاجرت‌های وسیع و غیرقانونی اتباع عراقی، پاکستانی و به‌ویژه افغانی به ایران چرا که فعالیت این افراد عمده‌تأ در بازار سیاه بوده است.
- ایجاد قوانین شفاف در زمینه چک و سایر اسناد بهادار و توسعه بانک‌های خصوصی
- انجام اقداماتی از قبیل توسعه اطلاعات معاملات در کشور به‌دلیل جلوگیری از ارتشا و معاملات غیرقانونی
- کاهش نرخ تورم در کشور حداقل تا رقمی بین ۶ تا ۱۲ درصد

مآخذ

- آقا بخشی، علی، ۱۳۷۴: فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران.
- ابراهیمی‌نژاد، مهدی، ۱۳۸۴: *سازمان‌های پولی و مالی*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- ابراهیمی‌یزدی، حسن، ۱۳۷۷: *بررسی تأثیر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صادرات فرش*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی).
- امیدبخش، اسفندیار و مسعود طارم‌سری، ۱۳۷۲: *آشنایی با موافقت‌نامه تعرفه و تجارت (گات) و بررسی تبعات الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- جلالوند، رجب، ۱۳۷۸: *ارزیابی اثرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر زیربخش غلات در بخش کشاورزی*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران).
- دبیرخانه آنکتاد، ۱۳۸۱: *چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت*، ترجمه و تدوین جمعی از فارغ التحصیلان دوره عالی مذاکرات سازمان جهانی تجارت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
- دبیرخانه گات، ۱۳۷۳: *سند نهایی دور اروگوئه*، ترجمه مسعود طارم‌سری و همکاران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- دفتر امور صنایع سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶: *مروری بر روند تحولات سازمان تجارت جهانی، پیامدها و الزامات الحاق به آن*، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- رشاد، کاظم، ۱۳۶۶: *تجارت جهانی و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت*، معاونت امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳: *تجارت در آینده: درآمدی بر سازمان تجارت جهانی*، ترجمه محمدجواد ایروانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳: *شناخت سازمان تجارت جهانی*، ترجمه محمدجواد ایروانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳: *الحاق به سازمان جهانی تجارت*، پیش‌نیاز مذاکرات، ترجمه رامین صالح‌خو و همکاران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.

سوادیان، هادی، ۱۳۷۹: بررسی تأثیر پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت (WTO) بر صادرات محصولات صنایع نساجی ایران، (پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه تهران).

فریدمن، میلتن و رز فریدمن، ۱۳۷۸: آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیمزاده جهرمی، نشر پژوهش، تهران.

کميجانی، اکبر، ۱۳۷۴: تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی کشورها به سازمان جهانی تجارت و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، معاونت امور اقتصادی، وزارت اقتصاد و دارایی، تهران.

محبی، منیره، ۱۳۷۴: ارزیابی اثرات عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی با تأکید بر کالاهای کشاورزی، (پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی).

مرکز تجارت بین الملل و دبیرخانه مشترک المنافع، ۱۳۷۵: راهنمای تجاری دور اروگوئه، ترجمه مدیریت پژوهش های اقتصادی و بین الملل موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.

مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران و مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۸۳: مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت: فرصت ها و چالش ها، تهران.

Andrew, K., 2002: *Do WTO Member Have a more Liberal Trade Policy?*, (<http://www.nber.org/papers/w9347>).

Bartlett, M., 1946: On the Theoretical Specification and Sampling Properties of Auto Correlated Time-series, *Journal of Royal Statistical Society*, 8, 27-41.

Beach, W., & G. Driscoll, 2003: *The Role of Property Rights in Economic Growth*, Index of Economic Freedom, Heritage Foundation.

Berggren, N., 2003: The Benefits of Economic Freedom: A Survey, *the Independent Review*, 8:2, 193-211.

Brown, M., & A. Forsythe, 1974: Robust Tests for the Equality of Variances, *Journal of the American Statistical Association*, 69, 364-367.

Chow, G., 2004: *The Impact of Joining WTO on China's Economics, Legal and Political Institutions*, Princeton University.

Goldstein, J., Rivers, D., & M. Tomz, 2003: *How the Trade Regime Affect International Trade?*, Mimeo, Department of Political Science, Stanford University.

- Gwartney, J., & R. Lawson, 2004: Economic Freedom of the World, *Annual Report*.
- Gwartney, J., Randall, H., & R. Lawson, 1999: Economic Freedom and Environment for Economic Growth, *Journal of Institutional and Theoretical Economic*, 155:4, 1-21.
- Gwartney, J., & R. Lawson, 2002: Economic Freedom of World, *Annual Report*, (http://www.cato.org/economic_freedom).
- Hunke, H., & S. Walters, 1997: Economic Freedom, Prosperity and Equality: A Survey, *the Cato Journal*, 17:2, 2.
- Index of Economic Freedom, 2003: The Heritage Foundation, and Dow Jones Company, *Inc Wall Street Journal*.
- Karabegovic, A., Dexter, S., Chris, S., & F. McMahon, 2003: North American Economic Freedom: An Index of 10 Canadian Provinces and 50 US States, *European Journal of Political Economy*, 19:3, 431-452.
- Khasoubis, B., 2003: *The Impacts of the WTO Regime on Developing Countries*, World Institute for Development Economic Research.
- Lin, C., & C. Chu, 2002: Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite Sample Properties, *Journal of Econometrics*, 108, 1-24.
- Morely, S., & V. Pineiro, 2004: *The Impacts of WTO and FTTA on Agriculture and Rural Sector in Latin America*, Discussion Papers.
- Rose, A., 2003: Which International Institutions Promote International Trade?, *Review of International Economics*, 1-18.
- Souza, L., 2003: *Effects of Russian WTO Accession and EU Enlargement on Belarus*, Kiel Institute for World Economics (IFW).
- The Heritage Foundation and Dow Jones Company, 2005: Index of Economic Freedom, *the Wall Street Journal*.